

خدای پرده پوش

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان*

مقدمه

در میان معارف اسلامی، دعای جوشن کبیر نقش بسیار مهمی در امر خداشناسی دارد؛ تا آنجا که می‌توان آن را جامع‌ترین نسخه متنی که معرفت و ویژگی‌ها و اوصاف خداوند متعال است، شمرد. در فراز ۲۲ این دعای شریف می‌خوانیم: «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السُّرِّيَّاتِ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى؛^۱ ای آن‌که زیبایی را آشکار نمودی، ای آن‌که زشتی را پوشاندی، ای آن‌که بر گناه سرزنش نکردی، ای آن‌که پرده‌دری نمودی، ای که گذشتت بزرگ، ای که نیکو درگذری، ای آمرزشت فراگیر، ای دستت به مهر گشوده، ای شنوای هر راز، ای سرانجام هر شکایت».

این فراز از دعا در روایات متعدد دیگر و با تعبیری نزدیک به همین تعبیر و عمدتاً با برخی اضافات در انتهای آن، در وقایع مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال علی بن بصیر از امام علیه السلام درخواست می‌کند تا دعایی به او تعلیم دهد که به وسیله این دعا از گناهان محفوظ بماند و خیر دنیا و آخرت در آن جمع باشد. حضرت در پاسخ نامه‌ای برای او نوشت و در انتهای آن، این فراز از دعای جوشن کبیر را برایش مکتوب کرد.^۲

آنچه در این فراز دعای جوشن کبیر مورد توجه ویژه قرار دارد، مسئله «پرده‌پوشی» خداوند متعال است؛ خدایی که زیبایی‌های بندگانش را نشر می‌دهد و آن‌ها را به اخلاق خوب و شایسته معروف می‌کند، اما زشتی‌های آن‌ها را پشت پرده قرار می‌دهد و از انتشار آن‌ها جلوگیری می‌کند.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۷ - ۳۸۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۷۸.

این ویژگی مهم، شایسته تبیین و توضیح است و در این نوشتار کوتاه به این مهم خواهیم پرداخت. در ادامه بر همین اساس از چیستی، چرایی و چگونگی پرده‌پوشی خداوند متعال سخت خواهیم گفت.

۱. چیستی پرده‌پوشی خدا

بنا بر صریح روایات اسلامی، پرده‌پوشی خداوند متعال بسیار گسترده و عمیق است. اگر گفته شود: «پرده‌پوشی خدا چیست»، پاسخ می‌دهیم: «پرده‌پوشی خدا، مخفی نگاه داشتن و آشکار نکردن گناهان بندگان خویش در دنیا و آخرت است». بر همین اساس پرده‌پوشی خدا را می‌توان در دو مقطع دنیا و آخرت تبیین کرد.

۱-۱. پرده‌پوشی در دنیا

امام سجاد علیه السلام در دعای ۱۶ صحیفه سجادیه، در بیان بلندی پرده‌پوشی خداوند متعال در دنیا را چنین توصیف کرده است:

يَا إِلَهِي فَلِكِ الْحَمْدُ فَكُمُ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَ كُمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي، وَ كُمْ مِنْ شَائِبَةِ الْأُمَّتِ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا، وَ لَمْ تُقْلِدْنِي مَكْرُوهَ شَنَارِهَا، وَ لَمْ تُبْدِ سَوْءَ آثَارِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي، وَ حَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي؛ ای معبود من! شکر و سپاس تو را که چه بسیار عیبم را پوشانیدی و رسوایم نکردی و چه فراوان گناهم را پنهان کردی و در گناهان، مشهورم نساختی و چه بسیار زشتی‌ها که انجام دادم و پرده آبرویم را ندریدی و بدی‌های آن را بر همسایگان که در جست‌وجوی عیب‌هایم هستند و بر حسودانی که تحمل دیدن نعمت‌هایت را ندارند، آشکار نساختی.

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام - که در تفسیر این فراز دعای جوشن کبیر وارد شده است - پرده‌پوشی خدای متعال قبل از روز قیامت، منحصر به پرده‌پوشی گناهان انسان از سایر انسان‌ها نیست؛ بلکه خدای کریم گناهان مؤمنین را حتی از فرشتگان نیز مستور نگاه می‌دارد و آبروی آن‌ها را در مقابل ملائکه نیز نمی‌برد.^۱

۲-۱. پرده‌پوشی در آخرت

در باب پرده‌پوشی خدا در آخرت نیز روایات متعددی وارد شده است. بر اساس روایت

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۵۴.

امام صادق علیه السلام، کسی که توبه حقیقی می‌کند؛ خدای متعال در دنیا و آخرت رفتارهای او را پوشیده نگاه می‌دارد. پوشیدگی دنیا روشن است؛ زیرا مردم خبردار نمی‌شوند و آبروی او نمی‌رود، اما در آخرت نیز گناهان او مستور می‌ماند؛ به گونه‌ای که اولاً فرشتگانی که گناهان او را ثبت کرده بودند، فراموش خواهند کرد؛ ثانیاً اعضای بدن او مأمور می‌شوند تا در قیامت علیه او شهادت ندهند و رفتارهای زشت او را کتمان کنند و ثالثاً حتی آن بخشی از زمین که روی آن گناه مرتکب شده است، مأمور به کتمان و پرده‌پوشی خواهند شد. بنابراین وقتی در قیامت به ملاقات خدا می‌آید، هیچ کسی نیست که درباره گناهانش علیه او شهادت دهد.^۱

دامنه پرده‌پوشی خدای متعال در قیامت، حتی مشمول نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌شود و خدای کریم گناهان امت را حتی از آن حضرت نیز می‌پوشاند؛ چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «از خدا خواستم که حساب امت مرا به من واگذارد تا پیش امت‌های دیگر رسوا نشوند؛ پس خدای عزوجل به من وحی کرد: ای محمد! نه، بلکه من حسابشان را می‌رسم و اگر گناهی از آن‌ها سر زده باشد، از تو پوشیده می‌دارم که پیش تو نیز رسوا نشود».^۲

آبروی انسان، سرمایه گران‌بهای اوست و هیچ‌کس راضی به تاراج آن نیست. اولیای الهی نیز به این مسئله توجه ویژه داشته‌اند و خدای متعال را به دلیل حفظ آبرویی که از انسان در دنیا و آخرت می‌کند، تسبیح و تقدیس کرده و پرده‌پوشی و آبروداری را از او در دنیا و آخرت درخواست نموده‌اند. بر همین اساس در مناجات شعبانیه می‌خوانیم:

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ
 [إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَقْضِ حُنِي يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُبُّوسِ الْأَشْهَادِ؛^۳ معبود من! گناهانی از مرا در دنیا پوشاندی و حال آنکه
 من به پوشانده نگاه داشتن آن‌ها در آخرت توسط تو نیازمندتر هستم. معبود من به من
 نیکی کردی؛ چرا که آن‌ها را برای احدی از بندگانت آشکار نساختی؛ پس روز قیامت
 نیز مرا در مقابل شهادت‌دهندگان رسوا نکن.

۲. چرایی پرده‌پوشی خدا

خدای متعال پرده‌پوش است، اما فایده و فلسفه این ویژگی در وجود خداوند متعال چیست و چرا

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۵۱۷.

۳. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۸۶.

او حتی در برخی موارد که با حساب و کتاب عادی ما شخص مستحق بی‌آبرو شدن است؛ چنین نمی‌کند و راز او را بر ملا نمی‌سازد. به نظر می‌رسد برای پرده‌پوشی خدا، دست‌کم می‌توان چهار دلیل اصلی را در ادامه ذکر کرد.

۱-۲. جلوه رحمت تام الهی

خدای مهربان به مقتضای مهر و محبتی که به بندگان خود دارد، محافظ آبرو و شخصیت آنهاست؛ هرچند این بندگان ناسپاس باشند و وظایف بندگی خود را زیر پا گذارند. در مقیاس بسیار ضعیف‌تر، می‌توان از آبروداری مادر نسبت به فرزند سخن گفت که این امر نیز جلوه‌ای از محبت سرشار الهی است که در قلب مادر لبریز شده است. مادر آبروی فرزند ناسپاس خود را حفظ می‌کند و در مقابل دیگران و حتی در مقابل پدر و خواهران و برادران او پرده‌داری نمی‌کند. این رفتار او هیچ دلیلی غیر از «مادر بودن» نمی‌خواهد؛ زیرا همه می‌دانند که مادر لبریز از محبت به جگرگوشه خود است. خداوند نیز برای پرده‌پوشی، دلیلی بیش از «خدا بودن» نمی‌خواهد. خداوند متعال نیز به بندگان خود محبت می‌ورزد و این محبت، منشأ حفظ آبروی آنهاست. از این رو نه‌تنها در دنیا حجاب از چهره آلوده آنها بر نمی‌دارد؛ بلکه حتی در قیامت و در مقابل فرشتگان و انبیای خود نیز چنین نمی‌کند و آبروی آنها را محفوظ نگاه می‌دارد.

توجه به این محبت سرشار الهی در دعای جوشن کبیر و در سایر ادعیه، سر مشق مهمی برای تنظیم رفتارهای ماست. ما بندگان گنهکار مانند فرزندی که شرمسار از آبروداری مادر، به دست و پای او می‌افتد و از او حلالیت می‌طلبد؛ باید به تضرع و عجز و لابه به درگاه پروردگار مهربان خویش بیفتیم و سر بندگی بر آستان او بساییم و از کرده‌های آبرو برنده خویش، در درگاه الهی شرمسار شویم.

ای پرده‌پوش معصیت عاصیان تمام	بر درگه تو دیده امید خاص و عام
کار تو عفو بخشش و انعام روز و شب	شغل تو فضل و رحمت و اکرام صبح و شام
جز معصیت نکرده و خواهم ز تو بهشت	ای خاک بر سر من و این آرزوی خام

۲-۲. جلوگیری از قیح‌شکنی

یکی از دلایل مهم پرده‌پوشی خدای متعال، جلوگیری از رواج زشتی‌ها و در نتیجه عادی شدن و قیح‌شکنی از آنهاست. اگر رفتارهای زشت ما همواره به دیگران مخابره شود، آرام آرام زشتی آنها از بین می‌رود. مولوی داستان دباغی را نقل می‌کند که پوست حیوانات را می‌کند و با مردار

و نجاسات سر و کار داشت. وقتی به بازار عطر فروشان رسید و بوی عطر شنید، بی‌هوش شد. آن یکی افتاد بی‌هوش و خمید چونکه در بازار عطاران رسید بوی عطرش زد ز عطاران راد تا بگردیدش سر و بر جا افتاد هم چو مردار اوفتاد او بی‌خبر نیم‌روز اندر میان ره‌گذر^۱ هیچ‌کس با آب و گلاب و کم کردن لباس و سایر چاره‌ها، نتوانست او را به هوش آورد تا اینکه شخصی برای او نجاست حیوانی آورد و به بینی او نزدیک کرد و شخص به هوش آمد. آری، کسی که در زشتی‌ها و پلشتی‌ها غرق شود؛ رفته رفته همان امر قبیح را خوبی و زیبایی ارزیابی می‌کند و دیگر حتی میلی به خوبی‌ها ندارد؛ بلکه به تحقیر و تمسخر آن‌ها نیز می‌پردازد و حتی از آن‌ها منزجر می‌شود.

امروزه فضای مجازی به‌رغم همه فرصت‌هایی که برای ما ایجاد کرده است، در میان تهدیدهای خود به قبح‌شکنی از بدی‌ها نیز پرداخته و دقیقاً از همین نقطه حیات معنوی ما را هدف قرار داده است. فضای مجازی، یله و رها زشتی‌ها را عادی می‌کند و آن‌ها را جلوی چشم ما قرار می‌دهد و آنقدر تکرار می‌کند که رفته رفته زیبا می‌شوند. روحی که در تسخیر فضای مجازی قرار گرفته است، به آرامی حتی از زیبایی‌ها متنفر می‌شود و به طرد و تمسخر آن‌ها می‌پردازد. فضای مجازی مطلوب، فضایی است که در آن حریم خصوصی افراد پاس داشته شود و اشتراک‌گذاری زشتی‌ها و پلشتی‌ها در آن، امری عادی نباشد. ما امروز به دلیل عدم مدیریت صحیح و نیز به دلیل اهمال در تولید محتوای پاک در فضای مجازی، اسیر این تهدید جدی شده و در دریای قبح‌شکنی از زشتی‌ها و پلشتی‌ها غوطه‌ور گشته‌ایم.

۲-۳. حفظ شخصیت افراد

یکی دیگر از دلایل پرده‌پوشی خداوند متعال، حفظ شخصیت افراد است. فرزندان آدم، کم‌وبیش مغلوب هوای نفس و در خلوت خود خطاهایی را مرتکب می‌شوند. اگر این خطاهای مخفی آشکار شوند، جنازه‌ها بر زمین می‌مانند و شخصیت افراد و آبروی آن‌ها آنقدر آسیب خواهد دید که حتی رغبتی برای دفن آن‌ها نیز باقی نخواهد ماند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده

۱. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بخش ۱۱، قصه آن دباغ کی در بازار عطاران از بوی عطر و مشک بیهوش و رنجور شد.

است: «لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَنْتُمْ».^۱

آبروی افراد نزد خدای متعال، ارزشمند است و حرمت دارد. بر اساس برخی روایات، حرمت مؤمن نزد خدای متعال حتی از حرمت خانه کعبه نیز بیشتر است: «وَرَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَظَرَ إِلَى الْكُعْبَةِ فَقَالَ مَرَحِبًا بِالْبَيْتِ مَا أَغْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ أَغْظَمَ حُرْمَةً مِنْكَ».^۲ بر همین اساس است که در شریعت اسلامی گناهانی مانند غیبت، تمسخر کردن و مانند آن نیز حرام شمرده شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی از خداوند متعال چنین نقل کرده است: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: لِيَأْذَنُ بِحَرْبٍ مِنِّي، مَنْ أَذَلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنُ مِنْ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ؛ كَسَى كَه بِنْدَةٍ مُؤْمِنٍ مَرَا خَوَارِ شَمَارِدٍ، بَايِدُ بَدَانِدُ كَه خِدَاوَنِدُ بَا اُو دَر جَنَگِ اسْتِ وَ كَسَى كَه بِنْدَةٍ مُؤْمِنٍ مَرَا تَعْظِيمِ وَ تَكْرِيمِ كَنَدُ، بِي شَكِ اَز غَضَبِ مَنْ دَر اِمَانِ اسْت».^۳ چنین خدایی هرگز خود عامل آبرو ریختن بندگان خویش نخواهد شد؛ هر چند خود آن‌ها به دلیل غفلت و غلبه هوای نفس، حرمت خویش را پاس ندارند.

۲-۴. تحکیم امتحان الهی

یکی دیگر از دلایل پرده‌پوشی خدای متعال، تحکیم و پایداری سنت امتحان الهی است. فلسفه خلقت انسان، امتحان شدن و نمایان شدن عیار بندگی اوست.^۴ امتحان کردن، بندگان لوازمی دارد و یکی از این لوازم، مهیا ساختن امکان ترمود و سرکشی است. اگر راه ترمود و طغیان مسدود باشد، آنگاه امتحان بندگی رنگ می‌بازد. بندگی را می‌توان به سؤالی تشبیه کرد که چهار گزینه در مقابل شما قرار می‌دهد و تنها یکی از آن‌ها، پاسخ صحیح است و شما امکان انتخاب هر کدام را دارید. بندگی نیز زمانی در دایره امتحان قرار می‌گیرد که امکان انتخاب مسیر ترمود و سرکشی باز باشد؛ در غیر این صورت سؤالی که یک گزینه بیشتر ندارد، امتحان نیست و زندگی که در آن یک راه غیر از بندگی خدا کردن وجود نداشته باشد؛ امتحان نیست.

حال باید دید اگر خدای متعال بر اساس علم نامحدودی که دارد، نهان انسان را آشکار سازد و حتی از مکنونات قلبی او پرده بردارد؛ آیا مسیر بندگی کردن برای چنین شخصی، مسیری در

۱. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۳.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۹۷.

۴. ملک: ۱ و ۲: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ».

ضمن یک امتحان حکیمانه خواهد بود؟ پاسخ، منفی است. هنگامی که پای آبروی انسان در میان باشد، او هیچ‌گاه آن را به حراج نخواهد گذاشت. در چنین شرایطی عمده افراد به سمت طغیان و سرکشی نخواهند رفت و عملاً امکان خلاف بندگی آن‌ها از دست خواهد رفت و در چنین شرایطی امتحان بندگی و انجام رفتارهای پسندیده معنا ندارد؛ زیرا شخص به خاطر آبرویش هم که شده، تنها عمل خوب انجام می‌دهد و از رفتارهای بد دوری خواهد کرد.

۳. چگونگی پرده‌پوشی خدا

ستاریت و پرده‌پوشی، از صفات فعل الهی است. چنانکه در دانش کلام بیان شده است، صفاتی مانند قدرت، علم و حیات، صفت ذات خدا هستند و از او سلب نمی‌شوند و نقیض آن‌ها درباره خدا ممکن نیست. به همین دلیل نمی‌توان خدا را - نعوذ بالله - عاجز، جاهل، میت و مانند آن شمرد. این در حالی است که صفات فعل مانند محیی، غافر، تواب و مانند آن، این‌گونه نیستند و خداوند به نقیض آن‌ها نیز توصیف می‌شود؛ به همین دلیل هر چند خدا بسیاری را می‌بخشد و نسبت به آن‌ها غفار و تواب است، اما عده‌ای دیگر نیز در شعاع بخشش او قرار نمی‌گیرند و خداوند متعال نسبت به آن‌ها اشدالمعاقبین است.

ستاریت خدا نیز صفت فعل است و امری ثابت و دائمی در مقایسه با همه افراد نیست. این‌گونه نیست که خدا همواره نسبت به همگان ستار باشد؛ بلکه ستاریت او نیز قیود و شرایطی دارد و در یک وضعیت خاص محقق می‌شود؛ چنانکه نباید گمان کرد که ستاریت او ملازم با بخشیدن گناه انسان است، به‌گونه‌ای که همین خطای در محاسبه موجب جری شدن انسان در انجام گناه شود. امام علی علیه السلام بر همین اساس ما را از مغرور شدن به ستاریت خدای متعال بر حذر داشته است: «قَالَ عَبَادَ اللَّهِ الْحَدَرَ الْحَدَرَ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَانَتْهُ قَدْ غَفَرَ وَ لَقَدْ أَهْمَلَ حَتَّى كَانَتْهُ قَدْ أَهْمَلَ وَ قِيلَ الْعَجَبُ لِمَنْ يَغْفُلُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفُلُ عَنْهُ»^۱.

این همه پرده که بر کرده ما می‌پوشی گر به تقصیر بگیری، نگذاری دیار
فعل‌هایی که ز ما دیدی و نپسندیدی به خداوندی خود پرده پیوش ای ستار
حال باید دید برای آنکه مشمول ستاریت خداوند شویم، باید چه کرد. به دیگر بیان چگونگی می‌توان خود را در شعاع ستاریت حضرت حق قرار داد و از این فیض الهی بهره برد. در این خصوص در ادامه به سه راهکار مهم که در روایات بیان شده است، اشاره می‌کنیم.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۵.

۳-۱. پرهیز از اصرار بر گناه

بنای خدای متعال بر پرده‌پوشی گناه بندگان است، مگر آن بنده‌ای که در قبال این پرده‌پوشی گسترده، پرده حیا را بدرد و با سوءاستفاده از این فضل و رحمت گسترده الهی، از هیچ خطایی فروگذار نکند و در منجلا ب گناه غرق شود و نه تنها هیچ بنایی برای اصلاح عملکرد خود نداشته باشد؛ بلکه بر رفتارهای زشت اصرار ورزد و در نهایت به آن‌ها مباحات و افتخار کند. چنین بنده‌ای که ابایی از نمایان شدن خطایای خود ندارد، در معرض لطف خطاپوشی حضرت حق قرار نخواهد گرفت. لطف حق با تو مداراها کند چون که از حد بگذرد، رسوا کند

۳-۲. عیب‌پوشی از دیگران

جذب بسیاری از اوصاف الهی، مشروط بر این است که ما نیز خود را به حد توان به آن اوصاف بیاراییم. برای جذب بخشیدن و گذشت الهی، باید اهل بخشش و گذشت باشیم. برای جلب مهربانی خدا، باید اهل مهربانی به دیگران باشیم و برای جلب ستاریت خدا نسبت به خودمان، باید اهل پرده‌پوشی باشیم و اسرار دیگران را هیچ‌گاه فاش نکنیم و از چهره پوشیده و مخفی آن‌ها پرده برنداریم.

به شکر آنکه خدا عیب من نهفت از خلق ز عیب خلق همان به که چشم در پوشم

از همین روست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ سَتَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَفْضَحْهُ سَتَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ هر که بر عیب برادر مسلمانش در دنیا پرده پوشد و او را رسوا نسازد، خداوند در قیامت، عیب او را بپوشاند.

پرده‌پوشی از دیگران تا جایی اهمیت دارد که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً؛ بِرِ مَوْءِنٍ نَسَبَتْ بِه مَوْءِنٍ وَاجِبٍ اسْتِ كِه هَفْتَادِ كِنَاهِ كَبِيرِه او را بپوشاند».^۲ دو نکته مهم در این روایت وجود دارد؛ ابتدا اینکه «يجب» صریح در وجوب است و شاید بتوان گفت این پرده‌پوشی نه یک توصیه اخلاقی صرف، بلکه یک وظیفه قطعی شرعی است و دیگر اینکه پرده‌پوشی وظیفه‌ای نسبت به همگان است تا آنجا که حتی درباره کسی که

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۷۷۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

گناهان کبیره بسیار فراوان^۱ در مقابل ما انجام داده باشد، نیز نباید پرده‌داری کرد؛ حال آنکه در مورد عموم گناهکاران چنین اتفاقی نمی‌افتد و ما تصادفاً بر مواردی انگشت‌شمار از گناهان آنان اطلاع پیدا می‌کنیم.

افرادی همچون حکمرانان و مسئولین سیاسی که به اطلاعات مردم دسترسی دارند، مکلف به پرده‌پوشی هستند و پرده‌پوشی آن‌ها به دلیل اشراف اطلاعاتی که دارند و نیز نقش الگوسازی که برای کل جامعه ایفا می‌کنند؛ اهمیت بیشتری دارد. بر همین اساس امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او فرموده است: «در میان مردم عیب‌هایی وجود دارد که از چشمان، غایب و پنهان، و والی در مستور نگاه داشتن آن‌ها اولی است. پس از آن‌ها پرده برمدار. در نتیجه تو وظیفه داری اموری را که برایت آشکار می‌شود، پاک کنی. خدا خودش امور پنهان را داوری می‌کند. تا آنجا که توان داری، عیب‌ها را بیوشان تا خدا هم عیب‌های پنهان تو را که دوست داری پنهان بماند، همواره بیوشاند».^۲

۳-۳. اشتغال به عیوب خود به جای دیگران

برای برخورداری از پرده‌پوشی خدا، ما نیز باید اهل پرده‌پوشی باشیم؛ اما برای اینکه خود اهل پرده‌پوشی شویم و به رصد عیوب مردم اشتغال نداشته باشیم و با حس کنجکاوی در مورد دیگران مقابله کنیم؛ چه باید کرد؟ پاسخ این سؤال روشن است. کسی که خودش را در مرکز توجه قرار می‌دهد و به عیب و نقص‌های خودش مشغول است، وقت پرداختن به عیب‌های دیگران و پرده‌داری از آن‌ها را نخواهد یافت. به همین دلیل است که در روایات اسلامی مسئله اشتغال به عیوب خویشتن نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ»^۳ هر کس در مورد عیب خودش تحقیق کند، از پرداختن به عیب دیگران منصرف می‌شود».

«نظر» به معنای نگاه کردن صرف یا همان رؤیت نیست؛ بلکه به معنای دقت نظر و تحقیق است. بنابراین شخص باید در مورد خودش ذره‌بین به دست باشد و با دقت احوالات خودش را مورد بررسی قرار دهد تا وقت پرداختن به دیگران را نداشته باشد. آن حضرت در کلام دیگری

۱. ظاهر این است که هفتاد در روایت، عدد کثرت است و به صورت خاص بر این عدد دلالت ندارد؛ بلکه کنایه از اکثریت و فراوانی گناه کبیره است که ای بسا از هفتاد مورد نیز بیشتر باشد.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۴۲۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۹.

فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ؛^۱ خوش به حال کسی که عیب خودش او را از پرداختن به عیوب دیگران مشغول کرده است». نکته مهم در این روایت این است که برای خود از عیب به صورت مفرد و برای دیگران از عیوب به صورت جمع استفاده شده است. شاید سر این تعبیر این باشد که برای پرداختن به عیوب خود، کم بودن عیب خود در مقابل بزرگ و زیاد بودن عیب دیگران نیز نباید مانع از تغافل در مقابل دیگران شود. حتی درجایی که ما عیبی کوچک داریم، اما اطرافیان ما عیب‌های بزرگی دارند؛ مجاز به غفلت از عیب کوچک خود و رصد و قضاوت در مورد عیب‌های بزرگ آن‌ها نیستیم تا چه رسد به آنجا که خود غرق در عیب هستیم و بخواهیم در عین حال به دیگران پردازیم.

فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ترجمه محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۷ش.
۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۳. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح و تعلیق احمد خاتمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۵. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، قم: مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۷. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه مهدی لاجوردی. تهران: جهان، ۱۳۷۸ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تصحیح علی آخوندی، محمد آخوندی و حسن خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۹. _____، مصباح المتهدج، تصحیح ابوذر بیدار و علی اصغر مروارید، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغة، ص ۲۲۵.

۱۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶ش.

۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.

۱۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۰۵ق.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش.

۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.